

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۵۰، پیاپی ۱۴۰، تابستان ۱۴۰۰ / صفحات ۱۸۷-۱۶۵

مقاله علمی - پژوهشی

تحلیلی بر نقش عوامل جغرافیایی در جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی^۱

مهسا ویسی^۲، سیاوش اولیایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

چکیده

جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی که در زمان پادشاهی داریوش بزرگ و جانشینش خشایارشا اتفاق افتاد، از جمله مباحث بسیار مهم تاریخی است که بنا به دلایلی پارسیان در این جنگ‌ها ناکام ماندند. از جمله عوامل بسیار تأثیرگذار در هر جنگی مباحث جغرافیایی منطقه نبرد است. در پژوهش پیش رو نقش عوامل جغرافیایی در عملکرد هخامنشیان در مقابل یونانیان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. هدف از انجام این پژوهش تحلیل چگونگی تأثیر عوامل جغرافیایی اعم از نظامی و طبیعی در جنگ‌های ایران و یونان و نتایج تصمیم‌گیری‌های فرماندهان نظامی هخامنشی بدون توجه به این عوامل در این جنگ‌ها است. در این مقاله تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که هخامنشیان در حملات خود به یونان در چه دام‌های جغرافیایی گرفتار شدند که بر نتیجه نبرد تأثیرگذار بود. نتایج بررسی حاکی از آن است که با وجود آنکه هخامنشیان در حملات خود بسیاری از جوانب را در نظر گرفته بودند، اما در چندین موقعیت در رابطه با در نظر گرفتن و شناسایی موانع جغرافیایی سهل‌انگاری کردند که بر نتیجه نبرد تأثیر گذاشت. نگارندگان مقاله حاضر گردآوری داده‌ها را از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به سرانجام رسانده و نتایج را از طریق تحلیل توصیف تاریخی ارائه داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، جنگ، جغرافیا، یونانیان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2021.32692.2306

۲. استادیار پژوهشکده تاریخ ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
m.veisi@ihcs.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
siavash.oliaee@gmail.com

مقدمه

از جمله عوامل بسیار تأثیرگذار در هر جنگ، جغرافیایی است که نبرد در آن اتفاق می‌افتد؛ به این معنا که ویژگی‌ها و عوارض طبیعی بر تاکتیک‌های جنگی تأثیر زیادی دارند و در واقع، پیش از نبرد می‌بایست براساس ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، نوع عملیات برنامه‌ریزی شود. چه‌بسا در برخی موارد تمامی مسائل جغرافیایی در نظر گرفته شده باشد، اما تغییر ناگهانی عوامل جوی جغرافیایی، به خلل در برنامه جنگی منجر شود. به‌طور کلی پیروزی در یک نبرد بدون توجه به ویژگی‌های جغرافیایی هر منطقه می‌تواند تصادفی باشد. اهمیت توجه به این امر چنان است که عوارض و عوامل جغرافیایی در میدان‌های جنگی، تعیین‌کننده نوع سلاح‌ها، شیوه حمله و همچنین شیوه دفاع و سایر عوامل استراتژیکی در جنگ است و مجموع این عوامل با عنوان جغرافیای نظامی دسته‌بندی می‌شود. دوران امپراتوری هخامنشی به سبب دستاوردهای مهم هنری و سیاسی و همچنین پهنه گسترده قلمرو، در تاریخ جهان اهمیت ویژه‌ای دارد. در این میان، از جمله مهم‌ترین اتفاقات این دوران حمله به یونانیان است که در زمان داریوش بزرگ و پسرش خشایارشا به وقوع پیوست و مورخان یونانی به تفصیل این نبردها را شرح داده‌اند. آنچه از مکتوبات یونانی در این باره برمی‌آید مغرضانه است، اما به هر روی نتیجه‌نهایی این نبردها برای هخامنشیان منجر به فتح و ضمیمه کردن یونان به امپراتوری خود نشد. در کنار چندین عامل اساسی مانند ضعف نظامی هخامنشیان و شیوه آرایش جنگی آنها در برابر یونانیان و همچنین ماهیت چندگروهی ارتش هخامنشی در برابر ماهیت یک‌دست یونانیان و عواملی از این دست که به عنوان دلایل شکست هخامنشیان مطرح شده‌اند، به نظر می‌رسد تا حدودی نیز می‌توان نقشی برای عوامل جغرافیایی در نظر گرفت. درباره جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی و ویژگی‌های این جنگ‌ها در منابع بسیاری مطلب نگاشته شده است. برای نمونه، در اینجا به چند مورد اشاره شده است:

«یاکوب ابوت» در کتاب *تاریخ خشایارشای بزرگ* که برای اولین بار در سال ۱۸۵۰م. به چاپ رسیده، به بررسی تاریخ کلی زندگی خشایارشا از تولد تا زمان مرگ و حوادث این دوران، از جمله حمله به یونان و جزئیات نبردهای ترموپیل و سالامیس پرداخته است. ضعف کتاب در آن است که بخش عمده‌ای از آن آمیخته به داستان‌ها و افسانه‌های یونانی است که درباره جنگ‌ها گفته شده و به‌طور کلی شخصیت اسپارتی‌ها را تحسین می‌کند.

«اندرو روبرت برن» در کتاب *ایران و یونانیان، دفاع از غرب* که در سال ۱۹۶۲م. به چاپ رسانده، در سه بخش به تفصیل برآمدن پارسیان، آتن و اسپارت و در نهایت نبردهای ایران و یونان را شرح داده و توضیحات بسیاری را در مورد جنگ‌های هخامنشی و یونان بر گفته‌های

هرودوت افزوده و در مواردی نیز اشتباهات او را تصحیح کرده است. سبک نگارش این کتاب بسیار پیچیده است و از افراد و وقایع بسیاری در آن یاد شده که مخاطب را با سیل عظیمی از اطلاعات گیج کننده مواجه می کند؛ ضمن آنکه فاقد تصاویر است و تنها چند نقشه را در بردارد. «چارلز هیگ نت» نیز در کتاب *لشگرکشی خشایارشا به یونان* که در سال ۱۹۶۳م. منتشر شده، به تفصیل به شرح و توصیف و تحلیل جنگ های ایران و یونان پرداخته و تمامی روایات مورخان را در این مقال گنجانده و اشتباهات آنان را تحلیل کرده است. تمرکز اصلی او بر اثبات شمار سپاهیان ایرانی و رد اغراق های یونانیان در این باره است و مرجع بسیار کاملی به شمار می رود.

امیرمهدی بدیع در کتاب ۱۵ جلدی *یونانیان و بربرها* که در سال ۱۹۶۳م. به چاپ رسیده، به تحریف های تاریخ نگاران یونانی درباره ایران باستان پرداخته و از تناقض گویی ها و افسانه پردازی های هرودوت برای رد نوشته های او بهره گرفته است. او همچنین در سه کتاب از این مجموعه به نبردهای خشایارشا با یونان پرداخته و دروغ پردازی های هرودوت را نمایان کرده است. نقدی بر این کتاب جامع و کامل وارد نیست.

«پیتر گرین» در کتاب *جنگ های ایران و یونان* که در سال ۱۹۷۰م. به رشته تحریر درآورده، بر پایه نوشته های هرودوت و پلوتارک به گزارش نبردهای ایران و یونان پرداخته، اما یک جانبه گرایی نویسنده از اعتبار اثر کاسته است؛ زیرا با استناد صرف بر نوشته های غرض آلود هرودوت، سعی در بزرگ جلوه دادن یونانیان داشته است.

«تام هالند» در کتاب *آتش پارسی نخستین امپراتوری جهانی و نبرد برای تسخیر غرب* که در سال ۲۰۰۵م. چاپ شده، به گزارش جنگ های پارسی پرداخته و با دنبال کردن نوشته های هرودوت، چشم انداز کل جهان درگیر در جنگ را ترسیم کرده است. محتویات این کتاب با داستان نویسی آمیخته شده، اما در کل مورد اعتماد است.

گفتنی است منابع بسیار دیگری نیز وجود دارند که مطالبی را در این زمینه از دیدگاه های گوناگون نگاشته اند، اما در هیچ یک از تحلیل های این کتب، از دلایل شکست پارسیان به تأثیر عوامل جغرافیایی اشاره نشده است. این پژوهش با شناخت چنین پیشینه پژوهشی، به صورت اختصاصی به بررسی نقش جغرافیا در این جنگ ها پرداخته که از این نظر نسبت به سایر پژوهش ها دارای نوآوری است. نگارندگان پژوهش پیش رو نقش عوامل جغرافیایی را در عملکرد هخامنشیان در مقابل یونانیان مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند و هدف از انجام این پژوهش تحلیل چگونگی تأثیر عوامل جغرافیایی اعم از نظامی و طبیعی در جنگ های ایران و یونان و نتایج تصمیم گیری های فرماندهان نظامی هخامنشی بدون توجه به این عوامل در این

جنگ‌هاست. نگارندگان تلاش کرده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که هخامنشیان در حملات خود به یونان، در چه دام‌های جغرافیایی گرفتار آمده بودند که بر نتیجه نبرد تأثیرگذار بود. تأکید بر این موضوع ضروری است که نگارندگان این پژوهش به هیچ روی در نظر ندارند تأثیر جغرافیا را در شکست هخامنشیان مقدم بر سایر عوامل بدانند، بلکه صرفاً به عوامل جغرافیایی به عنوان عاملی در کنار سایر عوامل مهم توجه دارند. در مقاله حاضر گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به سرانجام رسیده و نتایج از طریق تحلیل توصیف تاریخی ارائه شده است.

تأثیر جغرافیا بر جنگ

جغرافیا را می‌توان علم روابط متقابل انسان (فرهنگ)، تکنیک، مدیریت و محیط دانست (پاپلی یزدی، ۱۳۷۶: ۱). یکی از نقش‌های حساس جغرافیا شناسایی زمین و عوارض طبیعی و موقعیت‌های مختلف یک کشور است؛ زیرا برای پیروزی در جنگ، نیروهای نظامی به اطلاعات دقیق درباره وضعیت اراضی و پستی و بلندی‌ها و در یک کلام وضعیت جغرافیایی میدان‌های مختلف نبرد نیازمندند (ادیبی سده، ۱۳۸۵: ۱۲۴). جغرافیا از گذشته علمی بوده که در اختیار حاکمان و حکمرانان و اداره جنگ‌ها بوده و هنوز هم عمده‌ترین کاربرد آن در مسائل نظامی و امور حکومتی است. حاکمان مسیرهای لشگرکشی، محل اردوگاه‌ها، نقاط سوق‌الجیشی و کمینگاه‌ها و منابع آب و در نهایت، محل‌های عملیاتی برای حمله و دفاع را تعیین و نقشه‌های جنگ را ترسیم می‌کنند (چوخواچی‌زاده مقدم، ۱۳۸۲: ۵).

تأثیر عوامل جغرافیایی در جنگ‌ها چنان است که به ایجاد شاخه‌ای از علم جغرافیا به نام «جغرافیای نظامی» منجر شده است. در حقیقت، جغرافیای نظامی را کاربرد عملی آثار و عوامل جغرافیایی در طرح‌ریزی‌ها، اجرای عملیات، مانورها، استقرار امنیت و دفاع در مقابل تهدیدات دانسته‌اند. همچنین جغرافیای نظامی شاخه‌ای از جغرافیای طبیعی است که در آن اثرات عوامل طبیعی و انسانی و زیست‌محیطی بر سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌های نظامی و عملیات رزمی و پشتیبانی رزمی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و با خصوصیات محیط فیزیکی اعم از زمین، هوا و دریا ارتباط مستقیم دارد (سنایی‌فر، ۱۳۸۱: ۲). به دیگر سخن، این دانش که در زیرمجموعه یکی از تعاریف جامع و فراگیر علوم جغرافیا قرار می‌گیرد، تأثیر محیط طبیعی و فرهنگی بر خط مشی نظامی، سیاسی، طرح‌ها، برنامه‌های عملیات رزمی و پشتیبانی در جهان، منطقه و محلی را مورد بررسی قرار می‌دهد (صفوی، ۱۳۷۹: ۵) و به‌طور کلی می‌توان گفت دانش جغرافیا در دو حوزه اساسی طبیعی و انسانی به

مطالعه روابط متقابل انسان و محیط می‌پردازد.

جغرافیای نظامی روابط انسان با محیط و محیط با انسان را برای استفاده در مقاصد نظامی - امنیتی مورد بررسی قرار می‌دهد (صفوی، ۱۳۸۱: ۵) و نقش انکارناپذیری در برنامه‌ریزی‌های جنگی و استراتژیکی دارد. برای مثال، در جنگ ایران و عراق توجه عمیق به جغرافیا عامل برتری نیروهای ایران بود. برای نمونه، در عملیات شکست محاصره آبادان، مبنای عملیات استفاده از گسترش نامناسب عراق در شرق کارون و متکی بودن لشکر عراق به دو پل شناور روی کارون بود که نیروهای ایرانی از این معضل جغرافیایی دشمن استفاده کردند و ارتباط دشمن را در دو سوی کارون قطع و لشکر عراق را محاصره کردند. همچنین در عملیات منطقه غرب سوسنگرد که با هدف آزادسازی بستان طراحی شده بود، با استفاده از ارتفاعات رملی در شمال منطقه که از نظر دشمن غیرقابل عبور بود، نیروهای ایرانی توانستند در این عملیات پیروز شوند (چوخاچی زاده مقدم، ۱۳۷۹: ۹۶). البته نمونه‌های بی‌شمار دیگری در جنگ‌های مختلف اتفاق افتاده‌اند که می‌توان به آنها استناد کرد. بر همین اساس و با این مقدمه، در ادامه با مروری کوتاه بر جنگ‌های ایران هخامنشی و یونان، نقش عوامل جغرافیایی در این جنگ‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی

در مورد جنگ‌های هخامنشیان و یونانیان عمده اطلاعات از طریق نوشته‌های هرودوت است که بسیاری از پژوهشگران توانسته‌اند بخش‌های اغراق‌آمیز و حذفیات و اضافات هرودوت را براساس شواهد و قرائن مورد نقد قرار دهند. یونان کشوری در جنوب اروپا و جنوب شبه‌جزیره بالکان است که از شمال با آلبانی، مقدونیه و بلغارستان و از شرق با ترکیه مرز مشترک زمینی دارد. این سرزمین را در جنوب و شرق، دریای اژه احاطه کرده است. در دوره هخامنشی سرزمین ترکیه امروزی به همراه سرزمین تراکیه در شمال یونان، به‌طور کامل جزو قلمرو آنان بودند و مقدونیه نیز در شمال یونان خراج‌گزار امپراتوری پارسیان بود.

گفتنی است سرزمین یونان در دوره مورد بحث چندان قابل زیست نبود. وجود کوهستان‌ها و دره‌های عمیق و متعدد مردم این منطقه را از هم جدا کرده بود و اقوام به صورت جداگانه زندگی می‌کردند. همین عامل جغرافیایی سیاست سرزمینی آنها را شکل داد و مانع از ایجاد حکومت واحد در آنجا شد. در این دوره که دولت‌ها نیروی نظامی خود را تقویت می‌کردند و امپراتوری هخامنشی دولت‌ها را یکی پس از دیگری مغلوب می‌کرد و دامنه نفوذ خود را به سمت دریای مدیترانه و راه‌های دریایی اروپا و شمال آفریقا باز می‌کرد، شهرهای یونانی جدا

۱۷۰ / تحلیلی بر نقش عوامل جغرافیایی در جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی / مهسا ویسی و ...

از هم می‌زیستند و تمایلی به اتحاد نداشتند و نیروی نظامی و ساز و برگ آنها نیز ناچیز بود. زمانی که آنها با نفوذ سیاسی هخامنشیان مواجه شدند، احساس خطر کردند و به تشکیل اتحادیه‌های نظامی تن در دادند (بهمنش، ۱۳۳۸). در نقشه شماره ۱ موقعیت متصرفات هخامنشیان نسبت به سرزمین یونان و آتن که هدف آنان بود، مشخص شده است.



نقشه شماره ۱. موقعیت جغرافیایی آسیای صغیر و یونان در دوران هخامنشی (ویرایش شده توسط نگارندگان)

نبرد ماراتون^۱ و تحلیلی بر عوامل جغرافیایی مؤثر در این نبرد

در دوران داریوش بزرگ در پاسخ به شورش ایونی‌ها و به آتش کشیدن ارگ سارد، در همان سال ۴۹۲ ق.م. سپاهیان ایران و ناوگان کشتی‌هایشان لشگرکشی را آغاز کردند. مردونیه سپهسالار داریوش با نیروی زمینی خود سراسر غرب آسیای صغیر را تسخیر کرد و به خاک اصلی یونان تا کوه‌های المپ وارد شد (داندامایف، ۱۳۹۴: ۲۲۳). کوک به نقل از هرودوت

۱. Marathon: دشتی در جنوب شرقی یونان.

گفته است مردونیه با نیروی دریایی خود به سوی تنگه‌ها حرکت کرد تا به نیروی زمینی خود که از کیلیکیه از راه خشکی حرکت کرده بودند، ملحق شود. او سپس به طرف تراکیه حرکت کرد تا علیه ارتریا و آتن وارد جنگ شود. نیروی زمینی و دریایی تا گلوگاه شبه‌جزیره آتوس پیش رفتند. در فصل تابستان از سمت شمال بادی موسوم به باد «هلپونت» می‌وزید که گاه به توفانی تبدیل می‌شد. افراد محلی با این توفان آشنا بودند و در این هنگامه هیچ کشتی و قایقی را به دریا نمی‌فرستادند. سپاه مردونیه گرفتار این توفان شد، بسیاری از کشتی‌ها به گل نشستند و در هم شکستند. با توجه به اینکه آب‌های این ناحیه نیز پر از کوسه است، احتمالاً کوسه‌ها نیز در بالا رفتن تلفات نقش داشته‌اند (کوک، ۱۳۸۴: ۱۷۴). این اولین گرفتاری هخامنشیان در دام عوامل طبیعی جغرافیایی در یونان بود که باعث شد بخشی از رزمناو و کشتی‌های جنگی آنان قبل از ورود به صحنه جنگ با آتنی‌ها از بین رود. از آنجا که وزش باد هلپونت در فصل تابستان و توفان احتمالی حاصل از این باد، به دفعات در این خطه اتفاق می‌افتاده و محلی‌ها با این عامل آشنا بودند، سؤال این است که چرا مردونیه مشاورانی محلی در مورد شناخت وضع جغرافیایی و اقلیمی این ناحیه نداشته و اگر داشته، چرا از چنین خطری آگاه نشده تا مسیر دیگری را برای حمله برگزیند؟

بر مبنای مسیر حرکت مردونیه در حمله خود که در نقشه شماره ۲ نشان داده شده است، به نظر می‌رسد تنها هدف اصلی او ورود به آتن نبوده؛ زیرا در دریای اژه به سمت شمال پیش می‌راند و بیشتر تسلیم کردن مناطق تراکیه و مقدونیه را مورد نظر داشته است که انجام شده و در ضمن در نظر داشته وارد یونان مرکزی نیز شود و به سوی آتن پیش براند که گرفتاری در دام توفان، مانع از این امر شد.

پس از این حادثه تصمیم گرفته شد قدرت نیروی دریایی با افزودن کشتی‌های مخصوص حمل سواره‌نظام تقویت شود و این بار به فرماندهی داتیس مجدداً برای فتح آتن اقدام کردند و پس از شکستن مقاومت برخی از شهرهای یونانی، به پیشنهاد هیپیس جبار تبعیدی آتن، در ساحل باز ماراتون نیروهای خود را پیاده کردند (هرودوت، کتاب ۷، بند ۹۴). مأموریت داتیس فرود در ساحل آتیکا، تصرف شهر آتن و بازگرداندن هیپیس مستبد خلع شده به قدرت بود. هیپیس که به عنوان راهنما، مشاور و حاکم احتمالی دست‌نشانده آتن با پارسیان همراه بود، به داتیس توصیه کرد ناوگان خود را از آن طرف تنگه عبور دهد و ارتش را در خلیج ماراتون، در ساحل شرقی آتیکا فرود آورد. این مکان نزدیک‌ترین محل فرود مناسب به ارتریا (Eretria) بود و می‌توانست آب و مراتع زیادی را تأمین کند. دشت ماراتون در شمال شرقی آتیکا و ۴۰ کیلومتری آتن، به اندازه کافی گسترده بود تا بتواند کل ارتش پارسیان، از جمله سواره‌نظام را

در برابر نیروهای مدافع مستقر کند. از این دشت دو جاده از دو طرف کوه به آتن می‌رفت و نیز هیپیاس انتظار داشت که مورد استقبال دوستانه مردم آتیکای شرقی قرار گیرد که از طرفداران سرسخت استبداد پدرش بوده‌اند (Souza & et al, 2004: 39). دشت ماراتون از نظر جغرافیایی از یک سو به دریا و از سوی دیگر به کوه‌ها محدود می‌شود (تصویر شماره ۱). «چالز هیگنت» گفته است در روایت هرودوت از جنگ ماراتون، با وجود اطلاع وی از اینکه دشت ماراتون از یک سو به دریا محدود می‌شده است، هیچ اشاره‌ای به دیگر عوارض اطراف دشت، مانند کوه‌های گرداگرد سوی خشکی آن، باتلاق بزرگی که بیشتر نواحی نیمه شمال شرقی آن را می‌پوشاند و یا باتلاق کوچک حائل بین خروجی جنوب دشت و دریا نکرده است. از همه مهم‌تر آنکه از نهر خارادرا که از کوه‌های پشت روستای نوساز ماراتون به دریا سرازیر و در نقطه محدود به دشت به دو شعبه تقسیم می‌شد، ذکری به میان نیاورده است. همچنین از تپه سوروس که هنوز هم این تپه در نیمه جنوب شرقی دشت وجود دارد، سخنی نگفته است که این امر نشان می‌دهد هرودوت میدان جنگ را از نزدیک ندیده است (هیگنت، ۱۳۷۸: ۶۸) (نقشه شماره ۳). برخلاف آنچه که از فرود در این دشت مورد نظر پارسیان بود، آتنی‌ها عوارض جغرافیایی موجود را به خدمت خود گرفتند و در مقابل آنها مقاومت کردند. در گزارش این نبرد آمده است که با آغاز جنگ در این دشت، هوپلیت‌های آتنی با زرنگی خود را بر روی بلندی میان دو کوه مستقر کرده بودند که این عمل به شکل مؤثری ابتکار عمل حمله آغازین را از سواره‌نظام داریوش گرفت (فرخ، ۱۳۹۰: ۱۱۹). آتنی‌ها در بالای سراسیمبی، پشت به یک دیواره صخره‌ای مستقر شده بودند و دو طرف آنها بیشه و جنگل بود که آنها را از حمله سواره‌نظام ایرانی در امان نگه داشته و موقعیت دفاعی فوق‌العاده‌ای به آنان بخشیده بود. زمانی که دو جناح سپاه ایرانی از هم فرو پاشید و به نوعی آتنی‌ها در نبرد پیروز شده بودند، ملوانان ایرانی فرصت داشتند کشتی‌ها را آماده حرکت و فراریان را سوار کنند، اما بسیاری از هم‌زمان آنان در جریان نبرد کشته شدند یا در باتلاق عظیمی که از محل پهلو گرفتن کشتی‌های ایرانیان به سوی شمال گسترده بود، گرفتار و غرق شدند. تعداد آنها آن قدر زیاد بود که بعدها تخمین زدند آن باتلاق‌ها محل هولناک‌ترین کشتارها در آن جنگ بود. البته بقیه ناوگان پارسی توانست به سلامت حرکت کند. راه زمینی برای ورود آنها به آتن بسته شده بود، اما راه دریایی هنوز باز بود و ناوگان هخامنشی به سمت بندر فالروم (این بندر در تصویر شماره ۴ مشخص شده است) حرکت کرد. در آنجا نیز پس از چند ساعت توقف به سمت شرق برگشتند (هالند، ۱۳۹۶: ۲۴۹-۲۵۰). از منظر علم جغرافیا، در دیدگاه زمین‌محور، خشکی‌ها به صحنه‌های نبرد، میدان‌های عملیاتی و نواحی حمله تقسیم می‌شوند که عوارض

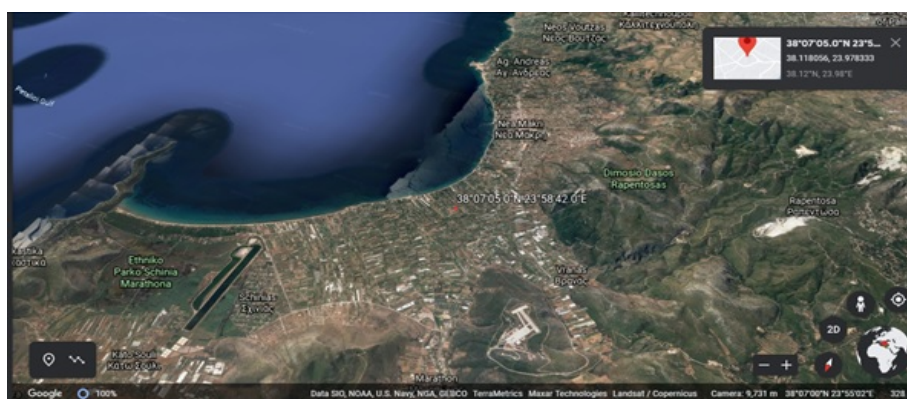
زمین‌شناختی و عوامل جغرافیایی موجود در این حوزه‌ها تعیین‌کننده استقرار، شیوه مانور، برد مؤثر سلاح‌ها و چگونگی پشتیبانی لجستیک است (چوخاچی‌زاده مقدم، ۱۳۸۲: ۱۱). راه دریایی که این بار برای حمله به یونان برگزیده شد، با وجود نزدیکی آن به هدف، برای ارتش‌کشی محتاج به کشتی‌های زیادی بود که باید از اقوام دریانورد تابع ایران تهیه می‌شد؛ در صورتی که نیروی دریایی دشمن برومند بود و در آب‌های ساحلی و جزایر تسلط کامل داشت (مقتدر، ۱۳۲۰: ۲۴). بر این مبنای نبرد ماراتون در کنار هوپلیت‌های آتنی که راه حمله را کاملاً بر هخامنشیان بسته بودند، آتنی‌ها به خوبی از این عوارض زمین‌شناختی و عوامل جغرافیایی موجود بهره بردند و براساس این عوارض، آرایش دفاعی خود را شکل دادند و مانع از حرکت سپاهیان داریوش به سوی آتن شدند. این در حالی بود که براساس نقشه شماره ۲ می‌توان در نظر گرفت هخامنشیان برای تدارک این حمله دو راه محتمل دیگر نیز داشتند. یک راه همین مسیر دریایی اخیر بود؛ با این تفاوت که به جای پهلو گرفتن در خلیج ماراتون، مستقیم به بندر فالروم می‌رفتند و در ساحل آتیک نیروهای خود را پیاده می‌کردند. یک مسیر نیز حمله از راه زمینی بود که می‌توانستند از طریق هلسپونت، تراکیه، مقدونیه و تسالی، خود را به آتن برسانند که بسیار طولانی‌تر بود.

گفتنی است که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های قابل تأمل در یک طرح‌ریزی عملیاتی، توجه به جغرافیا بوده و فرماندهان نظامی نامدار در دنیا با توجه به این عامل مهم به موفقیت‌های چشمگیری در جنگ‌ها دست یافته‌اند. جغرافیا به عنوان عاملی مهم، در تصمیم‌گیری فرماندهان نقش عمده‌ای داشته و کوچک‌ترین بی‌توجهی به اصول آن موجب خسارت، تلفات و شکست‌های سنگین خواهد شد. استفاده تاکتیکی از ویژگی‌های جغرافیایی هر منطقه، از جمله ارتفاعات و معابر عاملی مهم در طرح‌ریزی‌های ستادی و نحوه رزم در میدانی نبرد بوده و نظر افسران طرح در رده ستادی را به خود معطوف می‌دارد (غلامعلیان، ۱۳۸۹: ۴۹).

آتن باستان از خود شهر و شبه‌جزیره بزرگ مثلثی معروف به «آتیکا» تشکیل شده بود که به سمت جنوب و به دریای اژه ختم می‌شود. شهر آتن در یک دشت ساحلی بزرگ در شمال غربی آتیکا واقع شده که به وسیله کوه‌های بسیاری احاطه شده است (Camp, 2001: 3). به‌طور مشخص مناطقی که در مناطق دفاعی، کوه‌های مرتفع دارند، در تاریخ خود تسخیر کمتری داشته‌اند (Van Evera, 1999). به نظر می‌رسد فرماندهان داریوش در این هنگام با اعتماد به مشاوره هیپاس یونانی، تنها در امان بودن خلیج ماراتون از بادهای شدید و در نتیجه مناسب بودن آن برای پهلو گرفتن ناوگان و دشتی در امتداد ساحل را که فضای مناسبی برای سواره نظام هخامنشی بود، در نظر گرفتند و به سایر عوارض جغرافیایی چندان دقت نکردند.

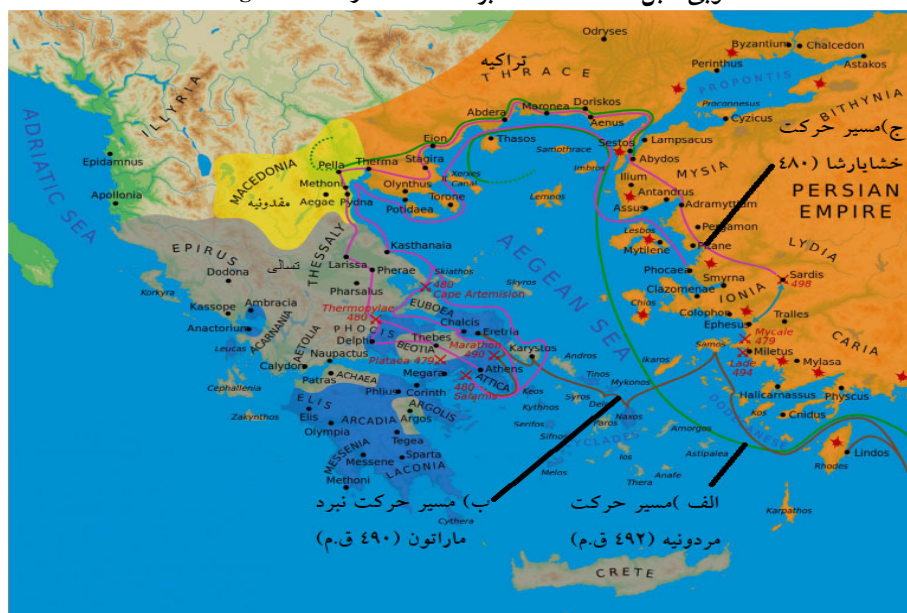
۱۷۴ / تحلیلی بر نقش عوامل جغرافیایی در جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی / مهسا ویسی و ...

بنابراین چند عارضه مهم راه را بر آنها سخت کرد: کوه‌هایی که دشت را احاطه کرده و هوپلت‌ها در بلندی بین آنها مستقر شده بودند و ابتکار عمل را به دست گرفتند؛ سرایشی پشت دیوار صخره‌ای که با بیشه و جنگل احاطه شده بود و پناهگاه امنی برای یونانیان ایجاد کرده بود؛ از همه مهم‌تر باتلاق‌های اطراف محل پهلو گرفتن کشتی‌های هخامنشی که عمده کشته‌ها افرادی بودند که در آنها گرفتار و غرق شده بودند.

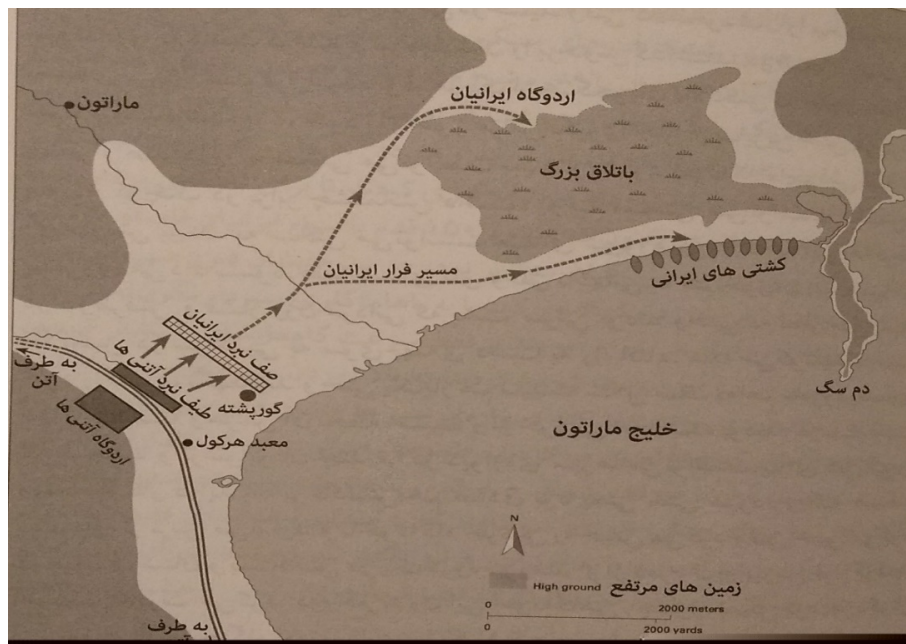


تصویر شماره ۱. موقعیت امروزی دشت ماراتون که شرایط آن نسبت به دریا و کوه‌های اطراف به

خوبی قابل مشاهده است (برداشت شده از: Google Earth)



نقشه شماره ۲. مسیر حملات هخامنشیان به سوی یونان (بعد از هیگنت، ۱۳۷۸: تصویر ۱۰)



نقشه شماره ۳. موقعیت عوارض جغرافیایی دشت ماراتون و محل قرارگیری نیروهای هخامنشی و یونانی (هالند، ۱۳۹۶: ۲۴۷)

نبرد ترموپیل^۱ و تحلیلی بر عوامل جغرافیایی مؤثر در این نبرد

خشایارشا در تدارک حمله به یونان دو راه پیش رو داشت. یکی ادامه دادن استراتژی جست‌وجوی جزیره که از سال ۴۹۰ ق.م. آغاز شده بود؛ بدین معنا که ناوگان خود را چون مردونیه و داریوش، به مقصد فتح آتن حرکت دهد و در عین حال جزایر سر راه را نیز فتح کند. دیگری مسیری که خود پیش گرفت. این مسیر نیازمند ارتش بسیار بزرگ‌تری بود. او سخت‌ترین راهبرد را که عبور از ترموپیل بود، برگزید (Cawkwell, 2005: 88).

خشایارشا با در نظر گرفتن بسیاری از مسائل، در ادامه اهداف پدرش، برنامه حمله دریایی و زمینی خود به یونان را تنظیم کرد و این بار از سارد رهسپار هلسپونت و سپس تراکیه شد و قدم به خاک اروپا نهاد (نقشه شماره ۲). در این میان، یونانیان که از حضور خشایارشا در ناحیه مطلع شدند، تصمیم به دفاع در ترموپیل و کشاندن خشایارشا بدانجا گرفتند. بدین ترتیب، ناوگان ایران برای حرکت به سوی تنگه مجبور شد در امتداد ساحل، رو به باد مگنزییا حرکت کند؛ به همین دلیل توفانی دو روزه بسیاری از کشتی‌های آنها را در هم کوبید و غرق کرد

1. Thermopylae

(هرودوت، کتاب ۷، بند ۱۷۷). هرودوت در گزارش خود آورده است نیروهای دریایی خشایارشا در مسیر حرکت خود، در خاک یونان و پیش از رسیدن به ترموپیل تصمیم گرفتند شبی را در یک خلیج کم عمق در مگنیزیا به صبح برسانند که محل مناسبی برای لنگر انداختن و استراحت به نظر می‌رسید، اما فرماندهان به این نکته توجه نکردند که این خلیج محل مناسبی برای بادهای ناگهانی و حتی خیزاب دریا که با بادهای دریایی دورتر تشکیل می‌شد، بود (هرودوت، کتاب ۷، بند ۱۹۰). به نظر می‌رسد فرماندهان هخامنشی از شرایط آب‌وهوایی این منطقه از یونان در آن موقع سال بی‌اطلاع بودند و همین مسئله موجب گرفتاری آنان در دام یک توفان شد.

از نیمه آگوست به بعد دمای هوا در یونان بسیار بالا بود و از گرمای هوا کاسته نمی‌شد و یونانیان در انتظار باد بودند. در این بخش از حمله که هخامنشیان در خلیج مگنیزیا پهلو گرفته بودند، ترموپیل هنوز در دست یونانیان بود، اما ناوگان پارسیان می‌توانست هر لحظه وارد آب‌های خلیج مجاور ترموپیل شود. همه چیز برای پیوستن ناوگان ایرانیان مهیا بود که از سمت شمال به لشکر زمینی شاهنشاهی ملحق شود، اما در آن روز تغییرات ناگهانی آب‌وهوایی رخ داد و توفان دو روزه‌ای اتفاق افتاد که ایرانیان را مجبور کرد دو روز بر جای خود در مگنیزیا بمانند و اقدامی برای حمله به گذرگاه نکنند. پس از فروکش کردن توفان کماکان خبری از ناوگان پارسی نبود که مشخص شد کشتی‌های پارسی گرفتار توفان شده‌اند (هالند، ۱۳۹۶: ۳۳۵). در گزارش هرودوت آمده است سواحل مگنیزیا پر بود از اجساد و تخته‌های شکسته و طای پارسیان. هیچ کس تعداد دقیق کشتی‌های غرق شده را نمی‌داند، اما بعضی‌ها در ناوگان یونانیان به جرئت می‌گفتند فقط تعداد اندکی از کشتی‌های جنگی ایرانی باقی مانده است تا در مقابل آنها بجنگند (هرودوت، کتاب ۷، بند ۱۹۲). پس از این رویداد، هخامنشیان تا چند روز در جای خود ماندند و حمله خود را آغاز نکردند و در روز پنجم وارد تنگه ترموپیل شدند. ترموپیل به معنای گذرگاه پرحرارت و یک معبر باریک ساحلی در میانه شرقی یونان و تنها مسیر خشکی میان لوکریس و تسالی است و همان‌طور که در تصویر هوایی تهیه شده از Google Earth مشخص است، با دامنه‌های پرشیب و پوشیده از جنگل و کوه‌ها احاطه شده است (تصویر شماره ۲).

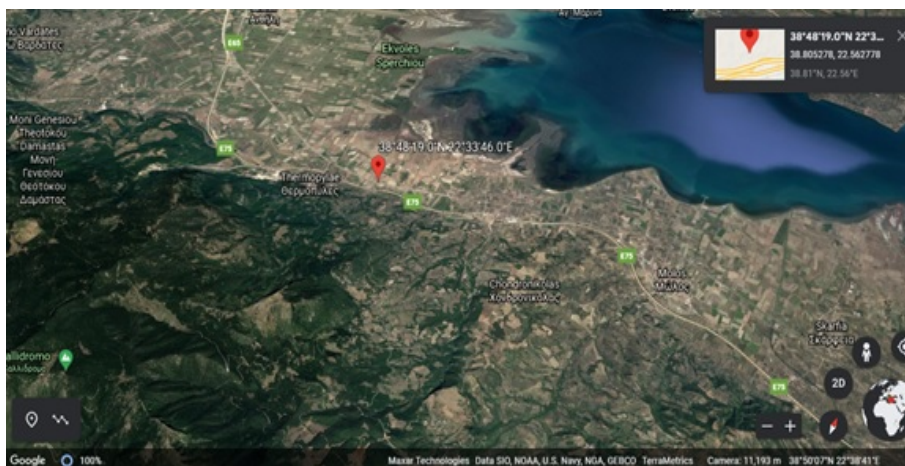
در میان سال‌های ۲۵۰۰ تا ۴۸۰ ق.م که نبرد ترموپیل در آن اتفاق افتاد، دریا بیش از دو کیلومتر عقب‌نشینی کرده و باریکه‌ای میان کوه‌ها و دریا ساخته که به تنگه ترموپیل معروف شده بود. در آن زمان باریک‌ترین نقطه در جلگه - که احتمالاً نبرد ترموپیل در آن محل انجام شده - تنها کمتر از صد متر عرض داشته و تنها راه عبور شمال به جنوب در امتداد ساحل

شرقی شبه جزیره بالکان، این تنگه بود و راه‌های دیگر به دلیل وجود کوه‌ها و خلیج مسدود بود. بدین ترتیب، این محل موقعیت سوق‌الجیشی داشت و نبردهای بسیاری در آن اتفاق افتاد (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۷۰۱). مغرب این تنگه به ارتفاعات سخت این کوهستان متکی و مشرق آن به زمین‌های باتلاقی ساحل منتهی می‌شد. موقعیت استراتژیکی این تنگه از لحاظ دفاع یونان بی‌نهایت مهم و با اشغال ارتفاعات اطراف آن، احتمال عبور دشمن از اینجا محال به نظر می‌رسید (مقتدر، ۱۳۲۰: ۳۳).

از گزارش‌های هرودوت می‌توان این‌گونه دریافت که خشایارشا پس از ورود به این تنگه، به چند دشواری ناشی از عوارض طبیعی گرفتار آمد. زمانی که ایرانیان وارد شدند، به سربازان ماد مأموریت داده بودند گذرگاه را باز کنند. آنها جنگجویانی باتجربه و کارآزموده در جنگ‌های کوهستانی بودند و با وجود آنکه در بالا رفتن از صخره‌های زاگرس تجربه داشتند، اما عبور از سد صخره‌های دروازه میانی ترموپیل را در تلاش برای محاصره مدافعان غیرممکن یافتند. همچنین در آن گذرگاه باریک امکان استفاده از راهبرد مرگبار معروفشان را نداشتند؛ یعنی تیراندازی شدید از راه دور در حدی که جلوی تابش آفتاب را بگیرد. آنها چاره‌ای جز حمله مستقیم به دیواره سپرهای اسپارتی نداشتند که آنها هم در این شیوه مشهور بودند (هالند، ۱۳۹۶: ۳۳۶). تنها نتیجه‌ای که نصیب جنگجویان پارسی شد این بود که با تلفات سنگین پس زده شدند. این امر عمدتاً به دو دلیل بود. نخست آنکه به دلیل باریکی گذرگاه، هخامنشیان این امکان را نداشتند که از برتری عددی‌شان حداکثر استفاده را ببرند. دوم آنکه برجسته‌ترین جنگجویان در زمینه نبرد تن به تن که در آن زمان وجود داشت، از گذرگاه دفاع می‌کردند (فرخ، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

در این میان، خائنی از میان صفوف یونانیان به اردوگاه خشایارشا وارد شد تا او را از گذرگاهی مخفی مطلع سازد؛ گذرگاهی که از طریق آن سپاه خشایارشا می‌توانست یونانیان را محاصره کند (هرودوت، کتاب ۷، بند ۲۱۷) و بدین ترتیب سپاه خشایارشا ترموپیل را به زور باز کرد و بعد از آن توانست وارد آکروپولیس شود و آن را به آتش بکشد. البته یونانیان همچنان تسلیم نشده بودند (فرخ، ۱۳۹۰: ۱۳۱). به اعتقاد هیگنت، به این نکته باید دقت کرد که حتی در روز اول رسیدن به ترموپیل، لازم بود سواره‌نظام با راه و نواحی اطراف آن آشنا شود، کوهستان را بشناسد و اگر این کار اجرا می‌شد، امکان داشت بدون کمک یک خائن راهی که کوه را دور می‌زد و به قله آن می‌رسید، توسط خود ایرانیان کشف شود (هیگنت، ۱۳۷۸: ۲۶۲). برن نیز که جغرافیای محلی ترموپیل را مورد مطالعه قرار داده، بر این نظر بوده است که در آنجا دست‌کم دو معبر باریک وجود داشته است که یکی از آنان را ایرانیان می‌توانستند حتی

از راه دور مشاهده کنند و تشخیص دهند. علاوه بر آن، راه‌های دیگری نیز در آنجا وجود داشته است که ممکن بود با استفاده از آن بتوانند کوه را دور بزنند. با وقوف و اطلاع از این راه‌ها، دیگر لازم نبود خشایارشا بیهوده سپاهیان را با حمله رو در رو با یونانیان تلف کند (Burn, 1962: 407-413). بر این اساس، می‌توان دریافت که در نبرد ترموپیل به هر تقدیر لشکریان خشایارشا توانستند از سد یونانیان عبور کنند و پیروز شوند و خود را به آتن برسانند، اما این پیروزی چندان آسان به دست نیامد و در این نبرد نیز فرماندهان هخامنشی، ابتدا گرفتار توفان شدند و بخشی از قوای خود را قبل از آغاز نبرد اصلی از دست دادند و سپس وارد استراتژیک‌ترین نقطه یونان یعنی گذرگاه ترموپیل شدند. آنها تسلطی بر جغرافیای این تنگه نداشتند و در نهایت یک خائن یونانی گذرگاه مخفی را به آنها نشان داد و بدین ترتیب، سپاه جاویدان توانست کوهستان و موضع یونانیان را دور بزند و از پشت سر یونانیان ظاهر شود. در نهایت با تصرف آخرین موضع یونانیان و قتل شاه اسپارت، هخامنشیان به پیروزی رسیدند.



تصویر شماره ۲. موقعیت امروزی تنگه ترموپیل که موقعیت دریا و کوه‌های اطراف به خوبی قابل مشاهده است (برداشت شده از: Google Earth)

نبرد سالامیس^۱ و تحلیلی بر عوامل جغرافیایی مؤثر در این نبرد سالامیس آخرین سنگر یونانی‌ها بود. آنها با حقه و نیرنگ توانستند خشایارشا را به تنگه بکشانند. بعد از پیروزی در ترموپیل، پیروزی خشایارشا قطعی و نهایی بود و تمام سرزمین‌های شمالی شبه‌جزیره سقوط کرده بودند. نیروی زمینی یونان نیز عقب‌نشینی کرده و همه پست‌های

1. Salamis

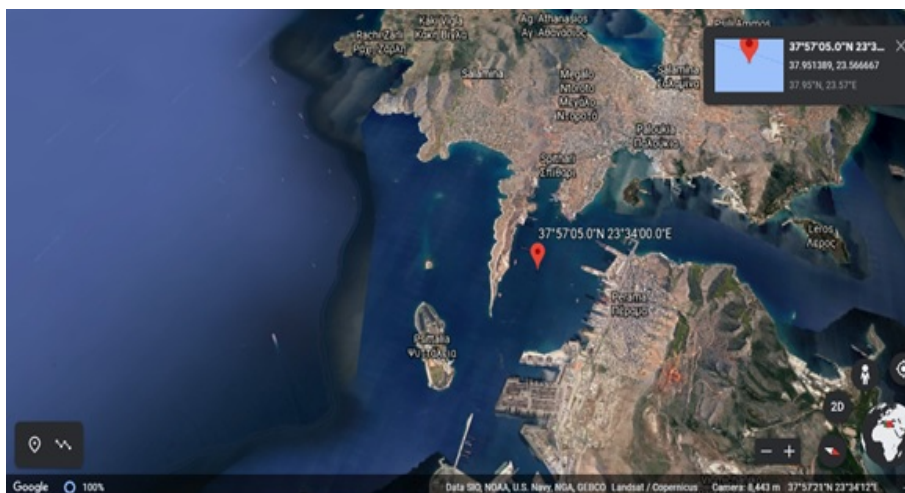
نگهبانی را رها کرده بودند. ناوگان‌های پارسی هم که در تمام طول دریا در پی کشتی‌های یونانی بودند، آنها را سرگردان در آب‌های سالامیس یافتند (Abbott, 1850: 255-256). در این شرایطی که همه چیز برای فتح کامل یونان مهیا بود و آنان براساس شرحی که هرودوت در کتاب هشتم خود از این وقایع آورده، امید چندانی به پایداری نداشتند، با احاطه کامل بر شرایط جغرافیایی سالامیس و علم به اینکه کشتی‌های ایرانی در فضای این تنگه قابلیت حرکت نخواهند داشت، آخرین شانس خود را با فرستادن یک مزدور برای فریب خشایارشا و کشاندن ناوگان او به تنگه امتحان کردند و موفق شدند. البته آرتامیس ملکه کاریا و دریاسالار خشایارشا تلاش کرد او را منصرف کند با اعتقاد به اینکه کشتی‌های بزرگ فنیقه‌ای نسبت به کشتی‌های کوچک‌تر یونانی در کانال باریک سالامیس قدرت حرکت کمتری خواهند داشت، اما نتوانست (هرودوت، کتاب ۸، بند ۷۳ به بعد).

شکست سالامیس نخستین عقب‌نشینی عمده ناوگان هخامنشی بود. برتری در دریا برای یونانیان باقی ماند و از این پس دیگر هخامنشیان نمی‌توانستند کشتی‌ها را مورد استفاده ارتش عظیم خود قرار دهند. بنابراین قسمت اعظم سپاهیان خشایارشا مجبور بودند به آسیا بازگردند. البته با توجه به اینکه خشایارشا عده زیادی از ارتش زمینی را در یونان باقی گذاشته بود، آشکار است که هنوز امیدوار بود در جنگ پیروز شود. در ادامه، مردونیه فرمانده خشایارشا دو بار دیگر در پلاته و میکاله از یونانیان شکست خورد (داندامايف، ۱۳۹۴: ۲۷۸-۲۹۳). در نهایت، از تعرض ایران هم نتیجه قطعی در سراسر نبرد به دست نیامد و هر یک از دو طرف نتایج را برای خود فتحی پنداشتند و خشایارشا به آسیا بازگشت؛ خرسند از اینکه آتن را گرفت و سوزاند و ویران کرد. یونانی‌ها فتوحات خودشان را بزرگ کردند؛ مغرور و شادمان از اینکه در سالامیس به کلی نابود نشدند (بختورتاش، ۱۳۵۰: ۸۱).

از منظر علم جغرافیای نظامی، شناسایی زمین‌هایی که قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی برای نیروهای نظامی به منظور مقابله با دشمن در عملیات نظامی فراهم می‌کنند، یکی از ضرورت‌ها و دغدغه‌هایی است که فرماندهان و رؤسای ستاد در طراحی عملیات با آن مواجه‌اند (حنفی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). همچنین به اعتقاد کالینز، شناخت مبانی و اصول جغرافیای نظامی به بررسی منطقی و تجزیه و تحلیل منطقه عملیاتی کمک اساسی می‌کند. تجارب طولانی مبارزات، جنگ‌ها و اجرای طرح‌های نظامی نشان می‌دهد که اگر فرماندهان، کارشناسان امور نظامی و مشاوران غیرنظامی از روی اندیشه و به کارگیری اصول و مبانی جغرافیای نظامی، تجزیه و تحلیل مناسب را در هرگونه طرح‌ریزی نظامی مورد توجه قرار دهند، پیروز میدان جنگ‌اند و بدون بهره‌گیری علمی از جغرافیای نظامی، موفقیت‌های نظامی آنان اتفاقی خواهد

۱۸۰ / تحلیلی بر نقش عوامل جغرافیایی در جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی / مهسا ویسی و ...

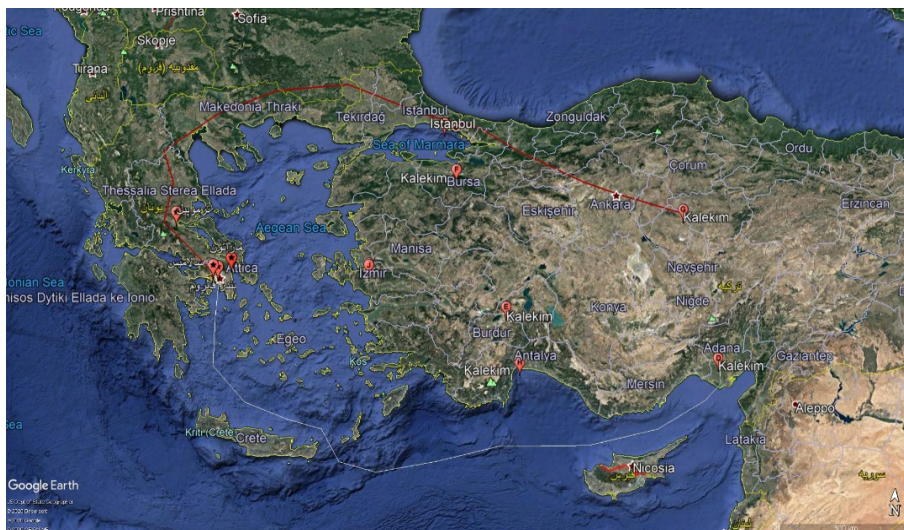
بود (کالینز، ۱۳۸۴: ۸/۱). بر همین اساس، در نظر نگرفتن جغرافیای این منطقه از نظر نظامی، مسئله‌ای بود که خشایارشا و فرماندهان موافق با ادامه حمله و ورود به تنگه، آن را نادیده انگاشتند و عدم احاطه پارسیان بر جغرافیای آوردگاه سالامیس باعث شد در نهایت به دلیل تنگی فضای تنگه نتوانند از برتری عددی خود استفاده کنند و تراکم کشتی‌ها در آن فضای محدود موجب برخورد آنها به یکدیگر و خرابی شد. در مجموع، کشتی‌های هخامنشی مناسب نبرد در چنین فضای تنگی نبودند و در نهایت نیز یونانیان توانستند در این نبرد پیروز شوند؛ درحالی‌که اگر خشایارشا با احاطه بر عوامل جغرافیایی وارد صحنه نبرد می‌شد، می‌دانست سازوکار نظامی‌اش مناسب جنگ در فضای تنگی چون سالامیس نیست و از استراتژی‌های دیگری برای حفظ پیروزی خود استفاده می‌کرد. تنگه سالامیس امروزه نیز پر از کشتی‌های باری و ناوهای جنگی و قایق‌هاست و موقعیت طبیعی آن تغییری نکرده است. باید تأکید کرد که چشم‌انداز کامل از تنگه‌ها تنها زمانی ممکن می‌شود که کشتی وارد تنگه شده باشد. بنابراین فریب خوردن خشایارشا و افتادن در این دام دور از انتظار نبوده است (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳. موقعیت امروزی تنگه سالامیس (برداشت شده از: Google Earth)

همان‌طور که در ابتدای مقاله اشاره شد، در تمام جنگ‌ها انتخاب صحنه‌های عملیات، یکی از مباحث بسیار مهم و اساسی برای همه فرماندهان در جنگ است. عوامل مؤثر در این صحنه‌ها باید با شاخص‌های دقیق مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند و فرماندهان باید برای اجرای عملیات جنگی، صحنه‌های عملیاتی خشکی و دریایی را متناسب با شرایط و

توانمندی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جغرافیای نظامی منطقه مشخص کنند (غلامعلی و مرادپیری، ۱۳۸۹: ۱۷۵). در جنگ‌های ایران و یونان در دوران هخامنشی، در کنار برخی عوارض جغرافیایی، عوامل طبیعی جغرافیایی نیز کار را برای هخامنشیان دشوار کرد. با توجه به مسیر امروزی حرکت از آسیای صغیر یا ترکیه به سمت یونان و آتن پایتخت این کشور، با استفاده از نرم‌افراز «گوگل ارث پرو» (google earth pro) و با وارد کردن داده‌هایی از قبیل بنادر و سواحل و غیره، یک مسیر دریایی محتمل و یک مسیر زمینی محتمل از آسیای صغیر به آتن طراحی شد که بر مبنای جغرافیای امروزی بهترین مسیرها برای رسیدن به آتن است؛ ضمن آنکه موقعیت جغرافیایی سه نقطه اصلی درگیری هخامنشیان با یونانیان نیز مشخص شده است (تصویر شماره ۴). مطابقت این مسیرهای محتمل امروزی با مسیرهایی که هخامنشیان انتخاب کرده بودند، نشان دهنده آن است که به‌طور کلی مسیر دریایی منتخب داریوش نزدیک به مسیر دریایی امروزی و مسیر زمینی و دریایی منتخب خشایارشا نیز نزدیک به مسیر امروزی زمینی بوده است. البته نکته اساسی درباره مسیر داریوش که به نبرد ماراتون منجر شد، آن است که براساس مسیر پیشنهادی امروز، اگر جزایر موجود در مسیر را برای تصرف دنبال نمی‌کردند (رجوع شود به نقشه شماره ۲ و مسیر حمله ماراتون) و مستقیم به سمت آتن و بندر فالروم می‌رفتند، انتخاب بهتری به شمار می‌رفت. از طرفی مسیر انتخابی خشایارشا نیز تقریباً همین مسیر محتمل امروزی است، اما نکته مورد توجه آن است که خشایارشا با ناوگان دریایی خود قصد عبور داشت؛ اینکه برنامه مورد نظر وی برای عبور از این قسمت و رسیدن به آتن چه بوده است، مشخص نیست؛ زیرا یونانیان در این باره با انتخاب ترموپیل برای دفاع، تعیین کننده وقوع جنگ در آنجا شدند و درگیری ترموپیل انتخاب خشایارشا نبود؛ همان‌طور که سالامیس نیز انتخاب او نبود، بلکه یونانیان با علم و احاطه کامل بر جغرافیای منطقه خود، خشایارشا را به محل‌های مورد نظر کشاندند و درواقع تعیین کننده محل وقوع جنگ شدند. بنابراین در این سه نبرد، تنها دشت ماراتون بود که هخامنشیان با مشورت یک یونانی در آنجا پیاده شدند و یونانیان را برای دفاع بدانجا کشاندند، اما در ترموپیل و سالامیس این یونانیان بودند که محل را تعیین کردند. آنچه که بسیاری از محققان به عنوان یکی از عوامل اصلی شکست پارسیان از یونانیان دانسته‌اند (یعنی دست کم گرفتن نیروهای یونانی)، در این ورود به مناطق جغرافیایی یونان کاملاً محرز است.



تصویر شماره ۴. مسیر دریایی و زمینی محتمل امروزی از آسیای صغیر به آتن (طراحی شده با:

Google Earth Pro)

نتیجه‌گیری

در دوران هخامنشی جنگ‌های ایران و یونان از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخ هخامنشیان است که نتایج آن می‌توانست حتی تاریخ جهان را نیز تغییر دهد؛ چنان‌که داریوش بزرگ هخامنشی به سودای فتح اروپا راهی یونان شد، اما بنا به دلایلی این اتفاق نیفتاد. نتایج حملات به گونه‌ای رقم نخورد که هخامنشیان بتوانند یونان را جزو امپراتوری خود کنند و از آنجا وارد اروپا شوند. هرودوت در مورد این نبردها بسیار اغراق‌گویی کرده و تصویر واقعی حوادث را نشان نداده است، اما بسیاری از پژوهشگران توانسته‌اند بزرگ‌نمایی‌ها و خطاهای وی را نمایان سازند. نتایج این پژوهش نیز نشان داد که هخامنشیان هم در زمان داریوش بزرگ و هم در زمان خشایارشا کاملاً حساب‌شده و مجهز به یونان لشگرکشی کرده بودند، اما گویا برخی مسائل جغرافیایی را دست کم گرفته و یا به دیگر سخن، احاطه نداشتند و در مواردی نیز در دام‌های جغرافیایی گرفتار آمدند که موجب تضعیف آنها شد و بر نتیجه نبرد تأثیر گذاشت. همان‌طور که در متن شرح داده شد، گرفتاری در دام توفان‌هایی که پدیده رایج در یونان در آن فصل می‌باشند و می‌توان آنها پیش‌بینی کرد، یکی از اشتباهات رایج در حملات داریوش و خشایارشا بود که موجب شد بخشی از سپاه آنان از بین رود و در نتیجه جنگ تأثیر مستقیم بگذارد. داریوش برای ورود به یونان مسیر دریایی را برگزید و در نهایت نیز محل فرود ارتش وی در دشت ماراتون، امتیازات جغرافیایی نظیر کوه‌های دفاعی و باتلاق و بیشه و جنگل را

برای یونانیان به همراه آورد که به ضرر هخامنشیان تمام شد. در گزارش‌ها آمده است هخامنشیان پیش از آغاز جنگ تدارکات گسترده‌ای نظیر حفر کانال اتوس و پل داردانل را فراهم کرده بودند و حتی تلاش خشایارشا بر آن بود که موقعیت‌هایی را برای صحنه نبرد برگزیند که بیشترین برتری را برای وی به همراه داشته باشد، اما باز هم در دام‌های جغرافیایی گرفتار آمدند که البته در مورد خشایارشا یونانیان تعیین‌کننده محل وقوع جنگ شدند. بررسی این جنگ‌ها و این عوامل جغرافیایی نشان می‌دهد که یونانیان با احاطه کامل بر شرایط جوی و استراتژیکی سرزمین خود، دشمن را به نقاط خاصی کشاندند و خود تعیین کردند که جنگ در کجا اتفاق بیفتد تا بهتر بتوانند دفاع کنند. آنها به هخامنشیان اجازه انتخاب نمی‌دادند که از کجا حمله کنند. این موضوع به روشنی در نبردهای ترموپیل و به خصوص سالامیس اثبات شده است. در نبرد ترموپیل به دلیل تنگی فضا نتوانستند از برتری عددی خود استفاده کنند و در نهایت با کمک یک خائن یونانی توانستند مسیر را باز کنند و پیروز شوند. در نبرد سالامیس نیز به همین دلیل فریب خوردند و وارد تنگه شدند؛ بدون آنکه از شرایط جغرافیایی این تنگه اطلاع داشته باشند. بدین ترتیب، پیروزی نهایی خود را به شکست و از دست دادن یونان تبدیل کردند. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان عوامل جغرافیایی را نیز در کنار سایر عوامل مورد تأکید پژوهشگران، در برآیند نتایج جنگ‌های ایران و یونان مؤثر دانست.

منابع و مأخذ

- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی*، تهران: سمت، چاپ ششم.
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۵۰)، *دیپلماسی دولت هخامنشی*، تهران: ستاد بزرگ ارتشستاران.
- بهمنش، احمد (۱۳۳۸)، *تاریخ یونان قدیم*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *تحولات علم جغرافیا بعد از انقلاب اسلامی*، مجموعه مقالات همایش پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا، تهران: مؤسسه جغرافیا و دانشگاه تهران.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران باستان*، تهران: افسون.
- چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر (۱۳۸۲)، «قلمرو و ماهیت جغرافیای نظامی»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱-۲۳.
- _____ (۱۳۷۹)، *جغرافیا، کاربردهای دفاعی و امنیتی*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام حسین(ع).
- حنفی، علی و ایرج حاتمی (بهار ۱۳۹۲)، «مکان‌یابی مناطق مساعد برای استقرار نیروهای نظامی در منطقه مرزی مهران با استفاده از GIS»، *فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی*، سال سیزدهم، شماره

۴۹، صص ۱۰۷-۱۲۸.

- داندامایف، محمد ع (۱۳۹۴)، *تاریخ سیاسی هخامنشی*، ترجمه فرید جواهرکلام، تهران: فرزانه روز.
- سنایی فر، یونس (۱۳۸۱)، *جغرافیای نظامی ایران*، تهران: دانشگاه افسری امام علی.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی، تعاریف و کلیات»، *فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر*، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۵-۹.
- _____ (۱۳۸۱)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی (قسمت دوازدهم)»، *فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر*، دوره یازدهم، شماره ۴۴، صص ۵-۸.
- غلامعلی، رشید و هادی مرادپیری (بهار ۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیاتی در هشت سال دفاع مقدس»، *فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک*، دوره نهم، شماره ۳۹، صص ۱۷۵-۲۰۰.
- غلامعلیان، امیر (پاییز ۱۳۸۹)، «کاربرد جغرافیای نظامی در طرح‌ریزی‌های عملیاتی»، *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، سال هفتم، شماره ۱۸، صص ۳۳-۵۰.
- فرخ، کاوه (۱۳۹۰)، *سایه‌هایی در بیابان (ایران باستان در زمان جنگ)*، ترجمه پدram خزایی، کرمانشاه: طاق بستان.
- کالینز، جان ام. (۱۳۸۴)، *جغرافیای نظامی*، ترجمه محمدرضا آهنی، ج ۱، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- کوک، جان مانوئل (۱۳۸۴)، *شاهنشاهی هخامنشی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- مقتدر، غلامحسین (۱۳۲۰)، *تاریخ نظامی ایران*، تهران: بهار، چاپ سوم.
- هالند، تام (۱۳۹۶)، *آتش پارسی نخستین امپراتوری جهانی و نبرد برای تسخیر غرب*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: اختران.
- هرودوت (۱۳۶۸)، *تواریخ*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.
- هیگننت، چارلز (۱۳۷۸)، *لشگرکشی خشایارشا به یونان*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: کارنگ.

- Abbott, Jacob (1850), *History Xerxes the great*, NewYork: Harper & brothers.
- Burn, A. R. (1962), *Persia and the Greeks: The Defense of the west, 546-478 BC*, London: Butler & Tanner.
- Camp, John M. (2001), *The Archaeology of Athens*, Yale University Press.
- Cawkwell, George (2005), *The Greek Wars the Failure of Persia*, Oxford: Oxford University Press.
- Green, Peter (1996), *The Greco Persian wars*, California: Berkeley and LosAngeles.
- Souza, de Philip, Waldemir Heckel and Llewellyn-jones, Lloyd (2004), *The Greeks at War from Athens to Alexander*, Osprey Publishing.
- Van Evera, S. (1999), *Causes of war: power and the roots of conflict*, Ithaca: Cornell University Press.

List of Sources With English Handwrting

- Adībī Sedeh, Mahdī (1385 Š). *Sociology of War and Military Forces*, Sixth Edition, Tehrān: Samt. (In Persian).
- Baḳtūrtāš, Nošratollāh (1350 Š). *Diplomacy of the Achaemenid government*, Tehrān: Setād-e Bozūrg-e Arteštārān. (In Persian).
- Behmaneš, Aḥmad (1338 Š). *History of Ancient Greece*, Volume 1, Tehrān: Tehrān University. (In Persian).
- Briant, Pierre (1395 Š). *Darius the Great and the Achaemenid Empire on three continents*, translated by Moḥammad Maḵlesī, Tehrān: Donyā-ye Nū. (In Persian).
- Collins, John M. (1384Š). *Military Geography*, translated by Moḥammad Rezā Āhanī, Vol. 1, Tehrān: Emām Hosayn University. (In Persian).
- Cook, John Manuel (1384Š). *Achaemenid Empire*, translated by Morteżā Tāqebfar, Tehrān: Qoqnūs. (In Persian).
- Čūḳāčīzāde Moqaddam, Moḥammad Bāqer (1379 Š). *Geography, Defense and Security Applications*, Tehrān: Enteshārāte Mū'assese Emām Hosayn. (In Persian).
- Čūḳāčīzāde Moqaddam, Moḥammad Bāqer (1382 Š). "Territory and Nature of Military Geography", Scientific Journal of Defense Policy, Vol 11, No. 42, pp. 23-1. (In Persian).
- Dandamayev, Moḥammad 'Abdūlqadyrovīč. (1394 Š). *Achaemenid political history*, translated by Farīd javāherkalām, Tehrān: Farzān Rūz. (In Persian).
- Farroḳ, Kāve (1390 Š). *Shadows in the Desert (Ancient Iran during the War)*, translated by Pedrām Ḳazāī, Kermānshāh: Tāq-Bostān. (In Persian).
- Golām'alī, Rašīd and Hādī Morādpīrī (1389 Š). "The effective factors of the choice of operational scenes in the eight years of holy defense". (In Persian).
- Golām'alīān, Amīr (1389 Š). "Application of Military Geography in Operational Planning". Faşname 'Olūm va Fonūne Nezāmī, Vol 7, Issue 18, pp. 33-50. (In Persian).
- Hanafī, 'Alī and Iraĵ Hātāmī (1392 Š). " Finding suitable areas for the deployment of military forces in the border area of Mehran using GIS ", Faşname 'Elmī Pažūhešīye Modīrīyat-e Nezāmī, No. 49, Vol 13, pp. 107-128. (In Persian).
- Head, Duncan (1391Š). *The Achaemenid Persian Army*, translated by Moḥammad Aqāĵarī, Tehrān: Qoqnūs. (In Persian).
- Herodotus (1368 Š). *History*, translated by Qolām'alī Vaḥīd Māzandarānī, Tehrān: Donyā-ye Ketāb. (In Persian).
- Higgent, Charles (1378 Š). *Xerxes's campaign in Greece*, translated by Ḳāšāyār Bahārī, Tehrān: Kārang. (In Persian).
- Holland, Tom (1396 Š). *Persian Fire: The First World Empire and the Battle for Conquest of the West*, translated by Mānī Šālehī 'Allāme, Tehrān: Aḳtarān. (In Persian).
- Moqtader, Ġulām Hosayn (1320Š). *Military History of Iran*, Tehrān: Bahār. (In Persian).
- Pāpelī Yazdī, Moḥammad Hoseyn (1376 Š). *Developments in Geography after the Islamic Revolution*, Proceedings of the Conference on Research and Capabilities of Geography, Tehrān: Institute of Geography and Tehrān University. (In Persian).
- Pīrnīyā, Ḥasan (1380 Š). *History of Ancient Iran*, Tehrān: Afsūn. (In Persian).
- Şafavī, Seyyed Yaḥyā (1379 Š). "An Introduction to Military Geography (Definitions and General Topics)-Part II", Faşname 'Elmī Pažūhešīye Eḡela'āte joġrāfīyāie Sepehr, Vol 9, Issue 33, pp. 9-5. (In Persian).
- Şafavī, Seyyed Yaḥyā (1381 Š). "An Introduction to Military Geography", Faşname 'Elmī Pažūhešīye Eḡela'āte joġrāfīyāie Sepehr, Vol 11, Issue 44, pp. 5-9. (In Persian).
- Sanāīfar, Yūnes (1381Š). *Military Geography of Iran*, Tehrān: Daneşġāhe Afsarī Imām 'Alī, Faşname Moḡale'āt-e Defā'ī Strāteġīk, Vol 9, Issue 39, pp. 175-200. (In Persian).
- Abbott, Jacob (1850), *History Xerxes the great*, New York: Harper & brothers.
- Burn, A. R. (1962), *Persia and the Greeks: The Defense of the west, 546-478 BC*, London: Butler & Tanner.
- Camp, John M. (2001), *The Archaeology of Athens*, Yale University Press.
- Cawkwell, George (2005), *The Greek Wars the Failure of Persia*, Oxford: Oxford

University Press.

- Green, Peter (1996), *The Greco Persian wars*, California: Berkeley and Los Angeles.
- Souza, de Philip, Waldemir Heckel and Llewellyn-jones, Lloyd (2004), *The Greeks at War from Athens to Alexander*, Osprey Publishing.
- Van Evera, S. (1999), *Causes of war: power and the roots of conflict*, Ithaca: Cornell University Press.

English Sources

- Abbott, Jacob (1850), *History Xerxes the great*, New York: Harper & brothers.
- Burn, A. R. (1962), *Persia and the Greeks: The Defense of the west, 546-478 BC*, London: Butler & Tanner.
- Camp, John M. (2001), *The Archaeology of Athens*, Yale University Press.
- Cawkwell, George (2005), *The Greek Wars the Failure of Persia*, Oxford: Oxford University Press.
- Green, Peter (1996), *The Greco Persian wars*, California: Berkeley and Los Angeles.
- Souza, de Philip, Waldemir Heckel and Llewellyn-jones, Lloyd (2004), *The Greeks at War from Athens to Alexander*, Osprey Publishing.
- Van Evera, S. (1999), *Causes of war: power and the roots of conflict*, Ithaca: Cornell University Press.

An Analytical Study of the Role of the Geographical Factors in the Iran-Greece Wars During the Achaemenid Period¹

Mahsa Veisi²
Siavash Oliaee³

Received:2020/08/22
Accepted:2021/02/11

Abstract

The wars of Iran and Greece during the Achaemenid period, which took place during the reign of Darius the Great and his successor, Xerxes, are among the most important historical issues, that for some reason, the Persians failed in these wars. One of the most influential factors in any war is the geographical issues of the battle zone. The present study has examined and analyzed the role of geographical factors in the performance of the Achaemenids against the Greeks. This study analyzes how the geographical factors, both military and natural, influenced the Iran-Greece wars. This article tries to answer the question of Achaemenids were caught in which the geographical traps in their attacks on Greece that affected the outcome of the battle. The results indicate that despite the fact that the Achaemenids considered many aspects in their attacks, but in several situations, they neglected to consider and identify geographical barriers that weakened or defeated them. The authors of the present paper completed the data collection through library studies and presented the results through historical descriptive analysis.

Key Words: Achaemenians, War, Geography, Greeks.

1. DOI: 10.22051/HII.2021.32692.2306

2. Assistant professor, Department of history of Iran, Institute for humanities and Cultural Studies. Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: m.veisi@ihcs.ac.ir

3. PhD Candidate in History of Ancient Iran, Department of History of Iran, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: siavash.oliaee@gmail.com.

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493

